



## تفاوت های فردی در یادگیری و آموزش

نسیم معجز، الناز قربانی، عظیمه رحیمی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اردبیل  
nasimmojez@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت و فلسفه ی آموزش و پرورش، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علامه طباطبایی

۳. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم اردبیل

### چکیده

این مقاله در مورد تفاوت های فردی دانش آموزان در یادگیری و آموزش است. در این مقاله راجع به تاثیر این تفاوت هادر فرایند آموزش و یادگیری سخن به میان آورده ایم و از آزمایشات قابل مشاهده ای که دانشمندان جهت پی بردن به علل تفاوت فردی (توارث و محیط) که بر روی موش های آزمایشگاهی انجام داده اند، نمونه هایی آورده ایم که نتایج آنها تصدیق شده است. بعضی تفاوت های فردی موجود در دانش آموزان باعث خلل در یادگیری هر چه بهتر آنان می شود که در این مقاله برای به حداقل رسانیدن این تاثیرات، به معلمان توصیه هایی شده است. یعنی آن دسته از روش های آموزش معلم که باعث می شود، دانش آموزان بتوانند با سرعت متناسب با توانایی هایشان پیش بروند، در اینجا قید نموده ایم. همچنین در مورد اینکه یک معلم خوب، چگونه به تفاوت های فردی دانش آموزان از جهات مختلف عاطفی، شناختی، حرکتی و ... توجه کرده و از هر یک از آنان به میزان توانایی، قابلیت و استعدادشان انتظار داشته باشد، در این مقاله و در چند بخش توضیح هایی آورده ایم. دیگر اینکه تفاوت فردی از دیدگاه قران و کلام بزرگان و همچنین لزوم توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان در امر آموزش و پرورش در این مقاله به صورت گسترده آورده شده است.

**کلمات کلیدی:** تفاوت فردی، آموزش و پرورش، تفاوت هوش، تفاوت جسمانی، تفاوت استعداد



27<sup>th</sup> July 2017  
Tehran - IRAN

Individual differences in teaching and learning

Nasim mojez<sup>1</sup>, Alnaz gorbani<sup>2</sup>, Azimeh rahimi<sup>3</sup>

1. Masters student MA, Faculty of Humanities, University of Ardabil nasimmojez@gmail.com
- 2. Masters student of Management and Philosophy of Education, Faculty of Humanities, University of Allameh Tabatabai
- 3. Department of Basic Education, Faculty of Humanities, Tarbiat Moallem University of Ardabil

### Abstract

This article is about the individual differences of students in learning and training.

In this article about the impact of this difference Hodder process of teaching and learning spoken and we of the experimental observation that the scientists to find out the causes of individual differences (heredity and environment) on mice have, examples that makes teacher training, students can proceed at a speed commensurate with their abilities, here indicating We've made. It is also about being a good teacher, how individual differences of students from different directions emotional, cognitive, motor, etc., and each of them according to ability, capability and talent to be expected, in this article and in explain that we have a few parts.

**Keywords** : Keywords: individual differences, education, intelligence differences, physical differences, differences in talent

## مقدمه

در نگاه اول، ممکن است مساله رعایت تفاوت های فردی دانش آموزان در یادگیری، موضوع تازه ای به نظر برسد. اما در حقیقت معلمان خوب همواره به این موضوع توجه دارند و می کوشند تا با شناخت تفاوت های فراگیران حاضر در کلاس، درس را به نحوی طراحی و ارائه کنند که همه دانش آموزان به رغم توان متفاوتی که دارند، به حداکثر پیشرفت ممکن دست یابند. در این مقاله تلاش بر این است که نشان داده شود، افراد از نظر فردی، خانوادگی و فرهنگی با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت بر فرآیند یادگیری آن ها اثر می گذارد و موجب می شود تا آن ها مطالب و مسایل متفاوتی را یاد بگیرند و در میزان یادگیری نیز تفاوت داشته باشند .

طبق چارچوب کاری دفتر کنترل کیفیت آموزش محور اصلی تمایز بین دانش آموزان، رعایت تفاوت در میزان توان آنها در یادگیری است. اگر چه این تفاوت مهم ترین عامل تاثیر گذار در کلاس درس به شمار می رود، ولی بهتر است، به منظور دستیابی به دیدگاه وسیع تری نسبت به موضوع تمایز بین دانش آموزان، نگاهی به دیگر زمینه های تفاوت آنها بیندازیم مثل سن و میزان بلوغ ادراکی و احساسی، جنسیت، مذهب و یا گروه نژادی، سابقه و زمینه آموزشی و خانوادگی و... همه این عوامل می توانند، بر میزان توانایی و نحوه کار دانش آموزان در کلاس موثر باشند.

در بیان علل وجود تفاوت های فردی بین دانش آموزان، به دو عامل محیط و توارث اشاره می شود به دنبال آن، وجود تفاوت در خانواده و فرهنگ مورد بررسی قرار می گیرد. تاثیر تفاوت های خانوادگی و فرهنگی بر یادگیری دانش آموزان آخرین بخش را تشکیل می دهد.

وجود تفاوت های فردی در میان دانش آموزان از نظر هوش، شخصیت، استعداد، پیشرفت تحصیلی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و قدرت یادگیری مطالب و... یکی از مهمترین مسائلی است که معلمان در کلاس های خود با آن مواجهند چرا که معلمان به تجربه دریافته اند که شیوه برخورد و پیروی از یک روش تدریس خاص نمی تواند برای همه دانش آموزان به طور یکسان مفید باشد. در ادبیات کهن سرزمین ما نیز مساله تفاوت های فردی در هر دوره ای مورد توجه بوده و انجام هر کاری را به هر کسی محول نمی کردند و از همه کس نیز انتظارات یکسانی نداشتند. ..مدرسه، کارخانه صنعتی نیست که دارای تولیدات یکسان و هم شکل باشد. دانش آموزان در علایق، استعداد و هوش، خلاقیت، تجارب و نیازهای خاص روانی با یک دیگر تفاوت فاحش دارند.

یکی از رساله های مهم وزارت آموزش و پرورش و معلمان، کشف استعداد های متفاوت دانش آموزان به گونه ای است که هر فرد به کمال مطلوب خود برسد و برای جامعه نیز مفید باشد.

### تفاوت های فردی

مشاهدات روزانه به آسانی نشان می دهد که دانش آموزان از نظر شکل ظاهری با یکدیگر تفاوت دارند . پس برای اینکه نشان دهیم که دانش آموزان یک کلاس به صورت آشکار با یکدیگر تفاوت دارند استفاده از ابزار متر برای اندازه گیری قد دانش آموزان و ترازو برای اندازه گیری وزن دانش آموزان است که این خود معیار خوبی برای نشان دادن تفاوت های فردی و ظاهری آن هاست .

برای اکثر ما اتفاق می افتد که وقتی با دو دانش آموز دو قلوبی یکسان رو به رو می شویم ، در تمیز آن ها از یکدیگر دشواری پیدا می کنیم چون از نظر شکل ظاهری مثل هم هستند . دانش آموزان نه تنها از نظر شکل ظاهری بدن و توانایی های جسمی تفاوت دارند ، بلکه از نظر قابلیت های ذهنی نیز تفاوت های فاحشی دارند .

مشاهده ی قدرت یادگیری دانش آموزان در کلاس اول ابتدایی ، مقایسه ی زیبایی خط ، استعداد های نقاشی ، خواندن ، نوشتن، حساب کردن ، سرعت عمل ، اجتماعی بودن و ... به خوبی نشان می دهد که آن ها با یکدیگر تفاوت دارند. برای تشخیص این تفاوت ها می توان آزمون های بسیار دقیقی را به کار برد ؛ آزمون های هوشی ، استعداد ، مهارت های حسی ، حرکتی ، اجتماعی بودن و ... همه این آزمایش ها تفاوت های چشم گیری را بین دانش آموزان نشان می دهند. هر صفتی را در نظر بگیریم و هر گروه بزرگی از کودکان را تحت آزمایش قرار دهیم خواهیم دید که قانون منحنی طبیعی در مورد آن ها صدق می کند . مثلا از نظر هوش کودکان کانا ، کالیو ، کودن ، مرزی ، طبیعی ، باهوش ، پرهوش ، و سر آمد خواهیم داشت ، از نظر توانایی ها نیز نتایج به همین صورت خواهد بود. نه تنها دانش آموزان پسر با یکدیگر و دانش آموزان دختر با یکدیگر تفاوت دارند ، بلکه بین پسر و دختر نیز تفاوت های زیادی وجود دارد . دختر ها در یادگیری برخی مسایل احساس راحتی می کنند ، در عوض برخی مسایل دیگر را پسر ها راحت تر می آموزند .

حال سعی می کنیم به علل وجود تفاوت های فردی بین پسران یا دختران از یک طرف و پسران و دختران از طرف دیگر اشاره کنیم، سپس به تفاوت های خانوادگی و فرهنگی دانش آموزان اشاره خواهیم کرد و در نهایت اثر این تفاوت ها بر یادگیری را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### تاریخچه

انسان از بدو خلقت به موضوع وجود تفاوت های فردی توجه داشته است. این تفاوت چه از لحاظ ظاهری (مانند جنسیت ، رنگ پوست ، شکل و قیافه) و چه از لحاظ نوع رفتار و سرعت یادگیری مورد توجه بوده است. اما دانشمندان به امر وجود تفاوت های فردی نگاه ویژه ای داشته اند.

اگر چه ذکر همه دانشمندانی که در زمینه تفاوت های فردی کار کردند و نظریه ارائه کردند و همچنین توضیح نظریه آنها با اهداف این دوره مناسب نمی باشد ، اما ذکر نام تعدادی از این دانشمندان جهت آشنایی سیر تغییر نگاه به امر تفاوت های فردی خالی از فایده نخواهد بود.

1. بقراط: این دانشمند و حکیم یونانی که در فزون ۴ و ۵ قبل از میلاد زندگی می کرد انسانها را به چهار گروه : سودایی (افسردگی ، غیر اجتماعی ، از کار و کوشش گریزان ) ، صفراوی ( تند خو ، زود خشم ، جاه طلب ، خود بزرگ بین ، ثابت قدم ) ، دموی ( خوش گذران ، خوش بین ، جدی و فعال ) و بلغمی مزاج ( اجتماعی ، کم فعالیت ، کند ذهن ) تقسیم بندی نمودند .

2. افلاطون: این فیلسوف یونانی نیز افراد را از لحاظ استعداد به سه دسته زیر تقسیم بندی نموده است:

(الف) طلا: این گروه کسانی هستند که می توانند زمام امور کشور را به دست بگیرند.

(ب) نقره: این گروه افرادی هستند که باید دستیاران گروه رهبری باشند.



پ) ترکیبی از مس و آهن: این گروه توده عادی مردم هستند که باید فرمانبردار گروه رهبری باشند.

3. بسل: این ستاره شناس آلمانی بر اساس بررسی های خود به این نتیجه رسید که هیچ دو نفری را نمی توان یافت که برآورد یکسانی داشته باشند، لذا هر انسانی معادله شخصی خود را دارد.

4. فرانسیس گالتون: به اعتقاد بسیاری از روان شناسان، موثرترین راه در مطالعات تفاوت های فردی را فرانسیس گالتون برداشته است و بر همین اساس او را پدر مطالعات تفاوت های فردی معرفی کردند. این دانشمند و نابغه انگلیسی که پسر عموی ناتنی داروین نیز بود بر اساس مطالعات متعدد به نتایج جالب توجهی در زمینه تفاوت های فردی از جمله توصیف ریاضی منحنی زنگوله ای رسیده است. همچنین ایشان در نوشته هایش پیشنهاد می کند که برای اصلاح انحطاط توانایی های انسان باید از ازدواج عقب مانده ها و بیماران روانی جلوگیری شود بنابراین این باید از طریق انتخاب هوشی نژاد انسان، اصلاح گردد.

5. آلفرد بینه: این دانشمند و روان شناس فرانسوی در سال ۱۹۰۵ با همکاری سیمون اولین آزمون هوشی را تهیه نمود. ایشان این آزمون را برای تشخیص دانش آموزان عقب مانده از کودکان عادی ساخت.

### انواع تفاوت های فردی

تفاوت های فردی بر دو گونه اند:

الف) تفاوت های بین فردی

تقسیم بندی شاگردان فقط بر حسب سن آنان در کلاس های مختلف، دال بر همگن یا یکسان بودن توانایی ها و نیازهای خاص آنان نیست. دانش آموزان نه تنها از لحاظ مشخصات ظاهری، بلکه از نظر خصوصیات اخلاقی، هوشی و روانی نیز با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین اگر بخواهیم تمام دانش آموزان یک کلاس را با یک روش و به یک اندازه معین آموزش دهیم و انتظار داشته باشیم که تمام آنان مطالب را یکسان یاد بگیرند، درست مثل این است که به پای دانش آموزان کفش هایی با اندازه یکسان ببوشانیم و انتظار داشته باشیم که همه آنها در این کفش ها به یک میزان احساس راحتی کنند و پاهایشان بدون هیچ گونه ناراحتی به رشد طبیعی خود ادامه دهد.

همان گونه که مربیان اختلاف قیافه های انسانها را بدیهی می شمارند، باید تفاوت توانایی ها و نیازهای دانش آموزان را نیز طبیعی بدانند. معلم دانا و آگاه معلمی است که با توانایی ها و نارسایی های گوناگون شاگردانش آشنا باشد و درس هایش را طوری تنظیم کند که آنها بطور گروهی یا انفرادی متناسب با توانایی ها و قابلیت های خود پیشرفت کنند.

ب) تفاوت های درون فردی

افراد علاوه بر این که از نظر توانایی ها و مهارت های گوناگون با یکدیگر تفاوت دارند، این مهارت ها و توانایی ها در خود شخص نیز به یک میزان نیست. برای مثال فردی ممکن است در مهارت های دستی یا مکانیکی بسیار ورزیده و ماهر باشد ولی همین فرد در تفکر انتزاعی یا مجرد، ضعیف باشد. برعکس فردی ممکن است از لحاظ تفکر و اندیشه فوق العاده قوی باشد ولی از نظر مهارت های دستی یا وجود آوردن چیزی با دست هایش ضعیف باشد. مثال تفاوت های درون فردی در حوزه آموزش بسیار زیاد است. فرض کنید دانش آموزی از نظر خواندن و نوشتن از حد متوسط کلاس پایین تر است ولی همین فرد در ریاضیات قوی تر از حد متوسط است.

### عوامل موثر در تفاوت فردی

الف) اثر توارث در ایجاد تفاوت های فردی

برای شروع بحث درباره ی اثر توارث در ایجاد تفاوت های فردی، مخصوصا از نظر توانایی های ذهنی، بد نیست به آزمایشی که در مورد موش های آزمایشگاهی انجام گرفته است اشاره کنیم. تعداد زیادی از پژوهشگران، برای بهبود توانایی موش های آزمایشگاهی، در یادگیری مازیالابیرنت دست به آزمایشی زده اند که جنبه کلاسیک پیدا کرده است. شیوه ی آزمایش به این



صورت بود که ابتدا توانایی یک موش در یادگیری ماز را اندازه گرفتند یعنی آن ها را داخل ماز گذاشتند و تعداد خطاهایی را که مرتکب شدند تا ماز را بدون خطا طی کنند ، شمردند .

موش هایی که خطای کمی داشتند گروه باهوش و آنهایی که خطای زیادی داشتند کم هوش به حساب آمدند . افراد گروه با هوش را بین خود و افراد کم هوش را بین خود جفت دادند. بچه های آن ها را نیز وادار کردند تا ماز را یاد بگیرند آن ها را نیز به دو گروه تقسیم کردند . گروه با هوش و گروه کم هوش. گروه با هوش خطای کمی داشت و گروه کم هوش خطاهای زیادی داشت . باز هم با هوش ها را بین خود و کم هوش ها را بین خود جفت دادند این کار را تا نسل هفتم ادامه دادند نتایج نسل هفتم تفاوت های کاملاً آشکاری را نشان داد، یعنی فرزندان نسل با هوش خیلی راحت تر از فرزندان نسل کم هوش از ماز عبور کردند .

با این که برتری موش های باهوش در یادگیری ماز را نمی توان به همه ی انواع یادگیری های موش تعمیم داد و مخصوصاً نمی توان نتایج حاصل از یادگیری بسیار ساده ی ماز به وسیله ی موش را به یادگیری های بسیار پیچیده ی انسان نیز تعمیم داد. این نوع آزمایش ها ، ما را آگاه می سازند که نباید توارث بر توانایی ذهنی و ایجاد تفاوت های فردی نادیده بگیریم از آن جا که همه ی انسان ها یکسان نیستند از نظر توانایی های ذهنی مثل ویژگی های جسمی تفاوت ها را به نسل های بعدی خود نیز منتقل می کنند و در نتیجه تفاوت های فردی هم چنان ادامه می یابد روش مورد استفاده در باره ی موش ها بنا به دلایل اخلاقی ، قانونی و عملی در مورد انسان کاربرد ندارد .

بنابراین برای بررسی اثر توارث در ایجاد تفاوت های فردی انسان ها ، لازم بود که روان شناسان فنون دیگری را به کار ببرند. مثلاً مطالعه ی روابط موجود بین عملکرد خویشاوندان ، دوقلو های یکسان ، دو قلو های عادی ، فرزند خوانده ها و ... به عنوان مثال روان شناسان ضرایب هوشی افرادی که روابط خویشاوندی نزدیک یا دور داشتند ، با هم یا جدا از هم بزرگ شده اند مورد بررسی قرار داده اند ، اگر در این مقایسه ها توارث تعیین کننده ی هوش باشد ، خویشاوندان ، نزدیک ، نسبت به خویشاوندان دور یا بیگانه ، حتی اگر جدا از یکدیگر بزرگ شده باشند ضرایب هوشی مشابه تری خواهند داشت .

بیش از ۱۰۰ تحقیقی که در باره ی اثر توارث بر ضریب هوشی انجام گرفته است نشان می دهد که ضرایب هوشی دوقلو های یکسان ( دوقلو هایی که از نظر توارث مثل هم هستند ) حتی زمانی که جدا از یکدیگر بزرگ شده اند نسبت به سایر جفت ها ، شباهت بیش تری نشان می دهند . ضرایب همبستگی بین دوقلو های عادی (دو قلو هایی که از نظر توارث مثل سایر فرزندان یک خانواده اند ) بین خواهران و بین برادران و بین والدین و فرزندان خیلی کم تر از همبستگی بین نتایج دو قلو های یکسان است . همبستگی بین ضرایب هوشی اشخاصی که هیچ نوع رابطه ی خویشاوندی ندارند و جدا از یکدیگر بزرگ شده اند ، صفر است . این پدیده تعجب آور نیست ، چون آنها نه از نظر توارث و نه از نظر محیط هیچ اشتراکی ندارند .

از آن جا که ضریب همبستگی برای پیش بینی است . بنابراین وقتی بین ضرایب هوشی و دوقلو های یکسان همبستگی بسیار بالایی را می بینیم و از طرف دیگر چون می دانیم که دوقلو های یکسان از نظر توارث تفاوت ندارند می توانیم از روی یکی ، هوش دیگری را نیز پیش بینی کنیم و به اهمیت توارث در هوش رضایت دهیم .

روش دیگر برای آشکار کردن آثار توارث بر توانایی های ذهنی این است که همبستگی های موجود بین فرزند خوانده با والدین حقیقی و والدین غیر حقیقی آن ها را مقایسه کنیم وقتی که کودکان در سنین خیلی پایین از والدین حقیقی خود جدا می شوند ، می توان گفت که روابط نزدیک بین ضرایب هوشی آن ها و والدین حقیقی اثر توارث را منعکس می کند و روابط نزدیک بین ضرایب هوشی آن ها و والدین غیر حقیقی ( ناپدری و نامادری) اثر محیط را منعکس می کند .

تحقیقات بسیار زیادی که در این مورد انجام گرفته ، نشان داده است که بین هوش کودکان و والدین حقیقی آن ها ، در مقایسه با هوش کودکان و والدین غیر حقیقی آن ها همبستگی بسیار بالایی وجود دارد .

(ب) اثر محیط در ایجاد تفاوت های فردی .

در مطالعات مربوط به اثر محیط در ایجاد تفاوت های فردی از استراتژی های متعددی استفاده شده است .



در یکی از این مطالعات تنها سعی کرده اند شرایط تعیین ضریب هوشی را دستکاری کنند. می دانیم که ضریب هوشی به کمک آزمون های هوشی به دست می آید و در برخی موارد، موقعیت ارزشیابی می تواند تا اندازه ای تفاوت های اجتماعی - اقتصادی را توجیه کند. در یکی از مطالعات زیگلر (۱۹۸۲) آزمایشگران شرایط اجرای آزمون ها را طوری تغییر دادند که کودکان احساس آرامش و راحتی کنند. بدین ترتیب که به جای سرد و خنثی بودن، سعی کردند خیلی خودمانی و دوستانه رفتار کنند. آن ها طوری عمل کردند که مطمئن باشند آزمودنی ها ابتدا دستور العمل ها را خوب می فهمند و بعد پاسخ می دهند.

نتیجه این شد که اضطراب کودکان در برابر آزمون کاهش یافت و نتایج آن ها در مجموع ۵ نمره بالاتر از گروه گواه، که در شرایط عادی تست شده بودند، شد. بنابراین تنها با مساعد کردن شرایط ارزشیابی برای همه دانش آموزان می توان فاصله ی تفاوت های هوشی آن ها را کم کرد. در واقع متفاوت بودن شرایط ارزشیابی نیز می تواند فاصله ی تفاوت های فردی را افزایش دهد. متفاوت بودن شرایط می تواند امکان خودنمایی توانایی ها را کم یا زیاد کند.

به آزمایشی که درباره ی موش ها انجام شد بر می گردیم، به همراه همان آزمایش روان شناسان دو گروه بچه موش، که هم از والدین باهوش و هم از والدین کم هوش بودند جدا کردند یکی از گروه ها را در اتاقکی بزرگ کردند که پر از شن و ماسه، اسباب بازی های متعدد و دالان های پیچ در پیچ بود، به طوری که موش ها در تمام روز می توانستند بازی کنند و تجربه های متعددی به دست آورند.

گروه دیگر را در یک اتاقک سیمانی و بدون هیچ وسیله ی سرگرمی بزرگ کردند. در سن بزرگ سالی وقتی آن ها را وادار کردند که عبور از ماز را یاد بگیرند گروه اول سریع تر از گروه دوم یاد گرفت. بنابراین اثر محیط بر توانایی های یادگیری به تایید رسید. بدین ترتیب که چون موش های گروه اول تجربه های زیادی داشتند در یادگیری ماز بهتر موفق شدند. پس محیط خانوادگی و نوع تعلیم و تربیت نیز می تواند بر توانایی های ذهنی کودکان اثر بگذارد.

کودکانی که مادران آن ها به مسایل عاطفی و کلاسی حساس هستند، اسباب بازی های مناسبی را تهیه می کنند، مخصوصا در دو سه سال اول خوب به آن ها می رسند، بعد ها ضرایب هوشی بالایی می آورند. سازمان دهی امنیت خانواده نیز با ضرایب هوشی بالا در سنین پایین و پیشرفت تحصیل بالا در سنین مدرسه رابطه دارد. خلاصه این که محیط خانوادگی عامل بسیار موثر در رشد توانایی های ذهنی کودکان است از آن جا که همه ی والدین آگاهی های لازم در مورد تعلیم و تربیت کودکان را ندارند و از آن جا که همه خانواده ها در یک سطح نیستند، بنابراین تفاوت های فردی بین کودکانی که در یک کلاس حضور دارند، هم چنان باقی خواهد ماند.

در بحث قبلی دیدیم که دانش آموزان از نظر توارث با هم فرق دارند و در پاراگراف های بالا به اثر محیط در ایجاد تفاوت های فردی اشاره کردیم نه انسان ها از نظر توارث یکسان خواهند شد و نه محیط برای همه یکسان عمل خواهد کرد. بنابراین تفاوت ها هرگز امکان پذیر نخواهد شد. در چهار چوب یک کلاس می توان دامنه ی آن را کوچک تر کرد چیزی که بازده مربی را بالاتر می برد.

حال که به علل وجود تفاوت بین کودکان پی بردیم. می پردازیم به علل وجود تفاوت بین دختر و پسر، تفاوتی که از اهمیت خاصی برخوردار است.

### تفاوت های فردی در آیات قرآن

خداوند متعال در سوره مبارکه حجر آیه ۲۱ می فرماید: «و هیچ چیز نیست مگر آنکه خزانه های آن در نزد ماست و آن را نازل نمی کنیم مگر به اندازه و مشخصات معین».

این آیه در رابطه با انسان، هم به تفاوت های نوعی و هم به تفاوت های فردی اشاره دارد، یعنی هم به آنچه که افراد بشری را از افراد سایر انواع (چون انواع حیوانات و گیاهان) ممتاز می کند و هم به آنچه که خود افراد بشری را از هم متمایز می سازد

27<sup>th</sup> July 2017  
Tehran - IRAN

تمایزها و تفاوت های میان آدمیان، ناظر به وسع های مختلف آنان است. (تفسیرالمیزان ذیل آیه ۲۱ حجر) وسع به معنای تاب و طاقت است، هم طاقت فهم و هم طاقت عمل. پس آدمیان با وسع ها و طاقت های مختلفی از حیث فهم و عمل پا به عرصه زندگی دارند.

و نیز قرآن در سوره ی نوح آیه ۱۴ می فرماید: «و خداوند شما را مرحله به مرحله آفرید». این خلقت مرحله به مرحله هم شامل تطوره های نطفه در رحم و هم تطورات فرد پس از زاده شدن است و در سوره روم آیه ۵۴ قرآن می فرماید: «خدا است که شما را ضعف آفرید، سپس از پی ضعف، قوتی و از پی قوت ضعف و پیری قرار داد. او آنچه می خواهد می آفریند و او دانای تواناست». طبق این آیه سه دوران عمده در زندگی آدمی وجود دارد: دوران ضعف نخست، دوران قوت، دوران ضعف نهایی و در هر دوران مراحل مختلفی وجود دارد.

### تفاوت های فردی در کلام بزرگان

وقتی ادبیات کهن و واقعاً غنی سرزمین خود را مرور می کنیم، باز می بینیم که مساله تفاوت های فردی در هر دوره ای مورد توجه بوده است. هرکاری را به هرکسی نمی دادند و از همه کس نیز انتظارات یکسانی را نداشتند. برای اثبات این گفته کافی است که به نوشته های شماری از بزرگان فرهنگ و ادب خود مراجعه کنیم. حکیم عمر خیام آشکارا خود را متفاوت از دیگران می داند و توصیه می کند که دیگران راه او را در پیش بگیرند آنجا که می گوید:

گویند کسان بهشت با حورخوش است      من می گویم که آب انگور خوش است

مولوی با بیانی ساده و روان وجود تفاوت های فردی را طوری عنوان می کند که برای خواننده کوچکترین شک و تردیدی را باقی نمی گذارد. آنجا که می گوید:

هر دو گر یک نام دارد در سخن      لیک فرق است این حسن تا آن حسن

هرکسی را بهر کاری ساختند      میل آن را در دلش انداختند

آن چنان که عاشقی بر سروری      عاشق است آن خواجه بر آهنگری

اگر بخواهیم از سعدی که در مورد تفاوت های فردی سخن گفته مثال بیاوریم، باید داستان های زیادی از گلستان او را عیناً نقل کنیم. اما برای این که سخن به درازا نکشد، به آوردن داستانی کوتاه قناعت می کنیم: پادشاهی پسری را به ادیبی داد و گفت این فرزند تو است. تربیتش همچنان کن که یکی از فرزندان خویش، ادیب متقبل شد و سالی چند بر او سعی کرد و به جایی نرسید و پسران ادیب در فضل و بلاغت منتهی شدند. ملک دانشمند را مؤاخذت کرد که وعده خلاف کردی و وفا به جا نیاوردی. گفت: بر رای خداوند روی زمین پوشیده نماند که تربیت یکسان است و طبایع مختلف.

باباطاهر عریان می گوید:

یکی درد و یکی درمان پسندد      یکی وصل و یک هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران      پسندم آن چه را جانان پسندد

□□□

دلا خوبان دل خونین پسندند      دلا خون شو که خوبان خون پسندند

متاع کفر و دین بی مشتری نیست      گروهی این گروهی آن پسندند

در سایر سرزمین ها نیز وضع به همین منوال بوده است. بقراط، حکیم یونانی معتقد بود که انسانها بر حسب این که کدام یک از مزاج ها بر آنها تسلط داشته باشد، به گروههای سودایی، صفراوی، دموی و بلغمی تقسیم می شوند. او برای هر یک از این گروهها صفات جسمی و روانی خاصی را قایل بود. گروه بندی انسانها براساس ساختمان بدنی ریشه تاریخی دارد. در کتاب کلیله و دمنه که مجموعه داستانهایی از زبان حیوانات است، آشکارا اعتقاد به وجود ارتباط میان بدن و خلق و خو را می بینیم. افلاطون فیلسوف یونانی در کتاب جمهوریت خود، مردم را از لحاظ استعداد به سه گروه تقسیم می کند.



### تفاوت‌های فردی و نیازهای دانش آموزان

آیا تفاوت‌های فردی با نیاز های دانش آموزان ارتباطی دارد؟ این ارتباط تا چه اندازه ای است ؟ توجه به تفاوت‌های فردی ، کدام نیازهای دانش آموزان را تامین می کند ؟ توجه به تفاوت‌های فردی فقط نیازهای روانی - اجتماعی ( محبت ، تفاهم ، سازگاری ، صمیمیت ، همکاری و روابط بین فردی و ... ) را تامین می کند یا اینکه در تامین نیازهای شناختی ( تفکر واگرا و همگرا ، زبان ، ادارک، احساس و حافظه ) نیز موثر است؟ آیا نیازهای روانی - اجتماعی و شناختی بطور مشترک تامین می شوند یا این که ابتدا نیازهای روانی تامین می شوند و سپس نیازهای شناختی؟ آیا توجه بیشتر به تفاوت‌های فردی باعث رفع بیشتر نیازهای یادگیری می شود؟ آیا به تفاوت های درون فردی بیشتر باید اهمیت داده شود یا تفاوت‌های بین فردی؟ اول : تفاوت‌های فردی با نیازهای دانش آموزان ارتباط دارد . دوم : این ارتباط در وهله نخست نیازهای روانی - اجتماعی دانش آموزان و در وهله دوم نیازهای یادگیری آنها را تامین می کند. به عبارت دیگر تامین نیازهای روانی - اجتماعی دانش آموزان مقدم بر تامین نیازهای دیگر آنهاست. سوم : توجه بیشتر به تفاوت‌های فردی در قدم اول موجب تامین نیازهای روانی - اجتماعی و در قدم دوم موجب تامین نیازهای شناختی یا یادگیری دانش آموزان می شود . چهارم: توجه انفرادی معلم و برقراری ارتباط با تک تک دانش آموزان باعث شناخت تفاوت‌های درون فردی دانش آموزان می شود . پنجم : هرچه شناخت تفاوت‌های درون فردی بیشتر میسر گردد نیازهای خاص دانش آموزان بیشتر تامین می گردد . ششم : شناخت تفاوت‌های فردی مقدم بر شناخت تفاوت‌های درون فردی است و به همین جهت ضرورت دارد معلمان از مقایسه دانش آموزان با یکدیگر جداً خودداری فرمایند .

### هوش و تفاوت های فردی

تعریف کردن هوش به نحوی که مورد قبول قرار گیرد کاری بس دشوار و احتمالا غیر ممکن است . معمولا در زندگی روزانه کسی را با هوش می نامیم که در تحصیل موفق باشد ، مسائل را خوب و سریع حل کند، با موقعیت های تازه سازگاتر شود ، مسائل پیچیده را به وضوح بیان کند ، بصیرت داشته باشد و بنابراین باید قبول کنیم که هوش در تمام رفتارهای ما حضور دارد . اگر بخواهیم تفاوت هوشی کودک باهوش را با کودک عادی بیان کنیم باید بگوییم که این دو نفر در ابتدای امر تفاوت کمی از یکدیگر دارند اما این تفاوت بتدریج افزایش می یابد، بدین ترتیب که هوش کودک با هوش نسبت به هوش کودک عادی هم سریع رشد می کند و هم دیر متوقف می شود . میزان رشد هوش و زمان توقف آن نیز بستگی به میزان آن دارد یعنی هر اندازه ضریب هوش کودک بیشتر باشد به همان اندازه رشد آن بیشتر و زمان توقف آن دیر تر خواهد بود و بر عکس .

### استعداد و تفاوت های فردی

استعداد یعنی آمادگی طبیعی (عوامل ذاتی ) یا اکتسابی ( عوامل محیطی ) برای انجام دادن بعضی کارها، بنا به گفته ادوارد پارد روان شناس سویسی وقتی افراد را در شرایط یکسان آموزشی قرار می دهیم بین آنها از نظر بازدهی تفاوت هایی دیده می شود، که عوامل این تفاوت ها را استعداد می نامیم . استعداد های هر فرد کم و بیش خاص خود اوست ، بدین معنا که ممکن است یک فرد برای یک رشته از کارها استعداد خوبی داشته باشد اما برای رشته دیگر توانایی نداشته باشد، مثلا ممکن است فردی در تحصیل موفق باشد، اما در کارهای فنی پیشرفت خوبی را نشان ندهد در این مورد ممکن است که بتوانیم او را با آموزش بیشتر به صورت یک مکانیک ماهر تربیت کنیم ، اما این کار زمان بیشتر و تلاش زیادی را ایجاب خواهد کرد .

### تفاوت‌های روانی و جسمانی دانش آموزان

در یک کلاس که دانش آموزان دارای مشترکاتی از قبیل سن ، جنس ، زبان ، جامعه و ... تفاوت‌های زیادی هم با یکدیگر دارند. این تفاوت‌ها در سه نوع از شاگردان جلب توجه می‌کند و البته منظور از تفاوت‌ها همان تفاوت‌های روانی و جسمانی است.

\* گروه اول: در بین شاگردان یک کلاس عده‌ای هستند که به اصطلاح افراد بدون دردمر نامیده می‌شوند. که درس خوان و وقت‌شناس و بی‌آزار هستند، دوستان معدود و مانند خودشان دارند، سر بزنند و حتی چندان سوال نمی‌پرسند ، اما تکالیفشان را انجام می‌دهند. برای امتحان دلشوره زیادی دارند و هیچ رقابت قابل ملاحظه‌ای بین آنها دیده نمی‌شود. در هیچ گروهی عضو نمی‌شوند، چون فکر می‌کنند چیزی برای عرضه ندارند. آنها اوقات فراغت را درس می‌خوانند تا عقب ماندگی که رغم خود دارند، جبران کنند.

\* گروه دوم : عده دوم افرادی هستند ، بسیار پر جنب و جوش و کمی هم خودخواه و خود مرکزبین ، هنگام ورود به کلاس سر و صدا راه می‌اندازند. تا معلم آماده درس گفتن بشود و یک دور کتابشان را دید می‌زنند و در طول درس معلم را یاری می‌دهند تا نشان دهند که پیش از او مطالعه کرده‌اند. نمرات متوسط است، اما هوشیار و زیرک هستند. غیر از کتاب‌های مدرسه به خواندن جملات و داستان‌ها علاقه نشان می‌دهند.

آنها به نمرات شاگردان آرام و درس خواندن حسادت می‌کنند و البته به نوعی معتقدند که آنها درس نمی‌خوانند ، بلکه همه چیز را حفظ می‌کنند. به نظر افراد این گروه سواد داشتن فقط حفظ کردن مطالب کتاب‌های درسی نیست. این افراد اهل ریسک کردن هستند. دوستان بسیار زیادی دارند چرا که جسور و سر زبان‌دار هستند و بچه‌ها چنین افرادی را دوست دارند. آنها حتی ممکن است برای جذب دوستان بیشتر سر جلسه امتحان افراد ضعیف را بوسیله تقلب یاری دهند.

آنها دوست دارند نماینده کلاس بشوند، به هر بهانه‌ای وارد دفتر مدرسه می‌شوند، تخته را قبل از معلم پاک کرده و در ردیف‌های اول می‌نشینند. گاهگاهی به تقلید از بزرگترها اخبار هم گوش می‌کنند. آنها همیشه از لحاظ سر و وضع آراسته ، تمیز و مرتب هستند. در گروه‌های نمایشی و سرود شرکت می‌کنند و دوست دارند قبل از همه انشائشان را بخوانند. حتی موقع معمولی صحبت کردن هم صدایشان بلند است. تعداد این افراد در کلاس زیاد نیست.

\* گروه سوم: عده سوم درست برخلاف عده اول می‌باشند. بنابراین ترجیحا آنها را افراد پر دردمر می‌نامیم. ردیف‌های آخر کلاس با چنین افرادی آشناست. آنها دوستان بخصوصی دارند، دوستانی که برخلاف مقررات مدرسه لباس می‌پوشند و وضع و ظاهر خود را درست می‌کنند. ظاهرا کلاس درس ، معلم و نمره برای این افراد اهمیتی ندارد. آنها موضع قدرت خود را جای دیگری یافته‌اند. درس خواندن آنها اجباری است که از سوی والدین و شاید هم اجتماع بر آنها تحمیل شده است. مردود شدن و تجدید شدن نه تنها برای آنها سهمناک نیست، بلکه خیلی عادی می‌نماید.

آنها به عنوان افرادی ناهنجار شناخته می‌شوند و این ، رفته رفته برای خود آنان نیز قابل قبول می‌شود. بنابراین به پرخاشگری و آزار و اذیت هم‌کلاسی‌ها و هم مدرسه‌ای‌های خود می‌پردازند و به این ترتیب همیشه عده‌ای از آنها شاکمی می‌باشند. با این حساب ترک تحصیل ، فرار از مدرسه ، گرایش به گروه‌های نامناسب ، بی بند و باری و... در بین این افراد به وفور یافت می‌شود.

### تفاوت‌های فردی در قالب تفاوت‌های جسمانی دانش آموزان

تفاوت در قابلیت‌های کودکان: توانایی و قابلیت ، اصطلاحی کلی است. اگرچه بعضی از بچه‌ها را می‌توان در مجموع دارای توان بالا و یا پایین ارزیابی کرد، اما اکثر کودکان در زمینه‌های به خصوصی نقاط ضعف و یا قوت ادراکی دارند. به همین دلیل ، تجزیه و تحلیل دقیق تر توانایی‌های ذهنی دانش آموزان مفید خواهد بود.



قدرت تکلم: قدرت تکلم در همه افراد یکسان نیست. بعضی از افراد از لکنت زبان، بعضی از صدای گرفته و تودماغی، بعضی از تندگویی و بعضی از کند تلفظ کردن رنج می‌برند. عده‌ای هم هستند که صدای رسا و گیرایی دارند، تلفظ کلمات را بطور صحیحی انجام می‌دهند. اما در هر صورت، همه به نحو یکسانی در کلاس سهیم هستند. یک فرد که صدای خوبی ندارد، یا موقع خواندن دچار مشکل می‌شود، نباید محکوم به سکوت شود، و معلم نباید در این مورد تبعیض قائل شود. اگر صدای یک فرد دلنشین و زیباست، نحوه تلفظ کسی که کلمات را می‌جود و تندتند بیان می‌کند، نیاز به اصلاح دارد. معلم علاوه بر تشویق شاگردان در مورد تلفظ صحیح و فن بیان، باید از مسخره شدن شاگردان مشکل‌دار توسط سایرین جلوگیری کند.

ضعف بینایی: این ضعف عموماً بین افراد شایع است و گاه به علت بی‌تفاوتی والدین، بسیاری اوقات ناراحتی‌هایی مانند تنبلی چشم، ضعف دوربینی، نزدیک بینی، آستیگماتیسم، انحراف چشم و ... را باعث می‌شود. اما یک معلم باید با تیزبینی افراد مشکل‌دار را تشخیص داده و موارد لازم را به خانواده‌ها هشدار دهد.

مشکل شنوایی: این نوع ضعف معمولاً دیرتر از ضعف چشم احساس می‌شود. غالباً فردی که مشکل شنوایی دارد، تصور می‌کند اطرافیان آرام صحبت می‌کنند. این عامل به خاطر خجالتی که شاگرد از معلم دارد، به راحتی بیان نمی‌شود. و به آسانی قابل تشخیص نیست. ولی می‌توان با دقت در املا نویسی و محاوره با او به این مشکل پی‌برد و مراتب درمان را پی‌گیری کرد.

تفاوت در قوای جسمانی: در یک کلاس همواره افراد بلند قد و قوی بنیه احساس قدرت می‌کنند. آنها همکلاسی‌های کوتاه قد و ضعیف خود را تحقیر می‌کنند و به زور در هر کجا که دوست دارند می‌نشینند. به این ترتیب دانش‌آموزانی که جثه ضعیفی دارند و نمی‌توانند با آنها مقابله کنند، به آخر کلاس رانده می‌شوند. معلم در این مورد باید برخورد منطقی و صحیحی داشته باشد. اول باید به همه اطمینان بدهد که ردیف اول و آخر کلاس در صورتی که آنها دانش‌آموزان ساعی و خوبی باشند، تفاوتی با هم ندارند. و بعد باید آنها را با ردیف کردن و نشان دادن تفاوت‌های قدشان برای جایگزین شدن در جای خود متقاعد کند. البته در صورتی که یک فرد بلند و یک فرد کوتاه قد دوست باشند، جدا کردن آنها تأثیر عاطفی بدی، روی آنها می‌گذارد.

چپ دست بودن: موضوعی که متأسفانه چندان اهمیت به آن داده نشده است، چپ دست بودن عده‌ای از افراد است. تمام امکانات موجود در کشورها برای افراد راست دست تدارک دیده شده است. در یک کلاس درس، معلم باید تعداد چپ دست‌ها را شناسایی کرده و صندلی مناسب برای این افراد سفارش دهد تا آنها نیز با مشکل مواجه نشوند.

علاوه بر موارد فوق کودکان دارای مهارت‌های متفاوت از یکدیگر نیز هستند. مهارت‌هایی که مهم‌ترین تأثیر را در یادگیری کودک دارند، عبارتند از:

مهارت‌های خواندن و نوشتن

بعضی از کودکان در یادگیری خواندن و یا هجی کردن دچار مشکلات جدی هستند. مشکلات یادگیری خواندن می‌تواند به مرحله رمز شکنی یا تشخیص کلمات مربوط باشند. به علاوه کودکانی نیز وجود دارند که اگر چه رمز شکنی را به خوبی انجام می‌دهند، اما مهارت درک مطلب ضعیفی دارند. و قادر به استخراج معنی از کلمات نوشته شده، نیستند. از آنجا که اکثر فعالیت‌های مندرج برنامه درسی مصوب، شامل خواندن مطالب نوشته شده، می‌شود و از طرف دیگر کودکان موظف به نوشتن تمرینات و فعالیت‌ها نیز هستند، لازم است که برای بعضی از کودکان با توجه به نیازهای خاص آنها، تکالیف جداگانه و با ماهیت متمایز مشخص شوند که به خواندن و نوشتن کمتری نیاز داشته باشند.

مهارت‌های عملی و یدی

این مهارت‌ها، مهارت‌های فیزیکی را از حرکات ظریف گرفته تا حرکات کلی بدن، شامل می‌شوند.

مهارت‌های سازماندهی

این مهارت‌ها می‌توانند بر کل ابعاد تحصیلی دانش‌آموز تأثیر بگذارند. باید بررسی شود که آیا دانش‌آموز قادر به سازماندهی فضای کاری خود، رعایت توالی و اولویت برای کار و بکارگیری راهبردهای مناسب برای انجام تکلیف کار محوله به وی هست یا خیر.



### نتیجه گیری

عمده ترین عوامل ایجاد تفاوت های فردی در افراد گوناگون به هوش ، استعداد ، خلاقیت ، شخصیت ، انگیزش ، جنسیت و محرومیت های فرهنگی مربوط می شود . لذا اگر دو نفر در شرایط مساوی امکان انجام یک فعالیت واحد را ندارند به دلیل تفاوتی است که در ویژگی های فوق الذکر وجود دارد .

اما علی رغم دلایل نامبرده در وجود تفاوت های فردی شاید بدلالی موجه و غیر موجه برنامه ریزان آموزشی برنامه واحدی را برای سراسر کشور و تمامی جنسیت ها طراحی و به اجرا می گذارند بدون آنکه برای تفاوت های فراگیران جایی در برنامه ها در نظر بگیرند ، در این برنامه همه فراگیران باید در طی مدتی معین با حضور در کلاسهای درس و پیروی از روش سنتی و کلیشه ای معلم تعداد مشخصی درس ویا واحد درسی را بدون کم و کاست با حداقل نمره ده بگذرانند. در نتیجه این گونه بی توجهی ها مشکلات متعددی برای فراگیران از قبیل افت تحصیلی ، ترک تحصیل و روی آوردن به بزهکاری های اجتماعی ایجاد می شود.

بنظر میرسد برای لحاظ کردن تفاوت های فردی فراگیران درآموزشها لازم است در برنامه های درسی ، نحوه آموزش ها ، زمان آموزشها و محتوای مواد درسی برای هر جنسیت انعطاف لازم ایجاد گردد . به همین منظور یکی از روشهای آموزشی که امروزه در اغلب کشورها مورد استفاده قرار می گیرد ، آموزش از راه دور می باشد. خوشبختانه آموزش از راه دور در کشورمان از سه سال پیش در دوره های راهنمایی ، متوسطه و پیش دانشگاهی فعالیت های خود را آغاز کرده است .

در روش آموزشی آموزش از راه دور ، تا اندازه ای در زمینه زمان حضور در کلاس ، تعداد درسهای انتخابی و روشهای استفاده از آموزشها برخی انعطاف ها را با توجه به تفاوت های فردی در نظر گرفته است.

بطوری که شاغلین به تحصیل در مراکز آموزش از راه دور با توجه به توانایی های خود درس و یا واحدهای درسی را اخذ و با بهره مندی از روشهای مختلف استفاده از تکنولوژی آموزشی نسبت به مطالعه آن درسها اقدام می نمایند بدیهی است که این نوع طبقه بندی ها نمی توانست دقیق باشد زیرا معیار عینی نداشت.

به تدریج که اجتماعات بشری پیشرفت حاصل کرد، چاره ای جز این نبود که توانایی ها را به صورت علمی اندازه بگیرند، تفاوت های فردی را به دقت تعیین کنند و برای هر کاری فرد مناسبی را بگمارند. اینجا بود که برخی از انسانها که در واقع نبوغ داشتند و متفاوت از دیگران بودند، به پا خاستند و با تهیه ابزار و شیوه های دقیق، توانستند هموعان خود را از جنبه های مختلف مورد آزمایش قرار دهند و تفاوت های آنها را آشکار سازند.

در این میان افراد دیگری نیز پیدا شدند که با ارائه نظرات جدید، افکار مردم را درباره شیوه تعلیم و تربیت انسانها به کلی تغییر دادند. می توان گفت که در مورد اخیر نقش ژان ژاک روسو چشمگیر بوده است روسو با ارائه نظرات جدید افکار مردم را درباره شیوه تعلیم و تربیت انسانها به کلی تغییر داد.



## منابع :

- ۱- گنجی حمزه : روان شناسی عمومی ، چاپ ششم ( با تجدید نظر کلی ) انتشارات دانا ، تابستان ۱۳۷۴
- ۲- گنجی حمزه : روان شناسی تفاوت های فردی چاپ پنجم ، تهران ، انتشارات بعثت ، چاپ ششم ، ۱۳۷۴
- ۳- ماهنامه پرورشی وزارت آموزش و پرورش، تربیت ، سال ۲۳ ، شماره ۹ ، شهریور ۸۸
- ۴- قرآن کریم
- ۵- روان شناسی تربیتی مؤلفان رضا کرمی نوری - علیرضا مرادی
- ۶- نگاهی دوباره به تربیت اسلامی تألیف خسرو باقری
- ۷- تفاوت های فردی و گروه بندی دانش آموزان تألیف علیرضا رضایی
- ۸- روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش) تألیف دکتر علی اکبر سیف
- ۹- یادگیری مبتنی بر تفاوت های فردی، مولفان فرانسسیس جیمز، کنت براون ، ترجمه مجید نعمتی ، حیدر تورانی-تهران، نشر قو  
۱۳۸۲.